

International Think Tank of
Human DignityThe Bioethics and Health
Law InstituteThe Iranian Association of
Medical Law

Investigating the Role of Normal Social Interactions in Promoting Mental Health and Preventing Tendencies toward Criminal Behavior

Faezeh Salahi Abadi¹

1. Department of Criminal Law and Criminology, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Normative social interactions, as one of the main pillars of social capital, play a crucial role in ensuring and enhancing mental health and can be considered an effective tool for social prevention of delinquency. These interactions create a sense of social belonging, strengthen human bonds and increase mutual trust and cooperation, thereby providing a foundation for reducing psychological and social harms. This study, conducted using a descriptive-analytical method based on library research, aims to examine the link between healthy social interactions and the reduction of tendencies toward delinquent behaviors by utilizing social and psychological theories. Findings indicate that cohesive and supportive social relationships not only help reduce anxiety, depression and feelings of loneliness but also directly prevent deviant and delinquent behaviors by strengthening internal behavioral control mechanisms and enhancing collective identity. This research also emphasizes that social control and differential association theories effectively explain the significance of the social environment and human relationships in the formation or prevention of delinquent behaviors. Consequently, designing and implementing social and criminal policies aimed at strengthening healthy social interactions, supporting families, teaching communication skills and promoting civic engagement can be an effective step in enhancing mental health and reducing social crimes. These findings highlight the necessity of considering social capital as a key tool in social prevention policymaking against delinquency.

Methods: This study employed a descriptive-analytical approach grounded in library research to examine the relationship between healthy social interactions and the reduction of tendencies toward delinquent behaviors using social and psychological theories.

Ethical Considerations: In library-based studies, due to the absence of direct contact with individuals, ethical considerations primarily pertain to respecting the material and intellectual rights of sources, ensuring precise fidelity in paraphrasing and accurate citation of references. It is essential to uphold principles of scientific honesty, impartiality in analysis and reporting and respect for the intellectual property of works. Additionally, researchers are encouraged to be aware of their personal and cultural biases to prevent any negative influence on conclusions. In cases where human data or related field studies are involved, principles such as maintaining confidentiality, obtaining informed consent and respecting individuals' rights become necessary.

Results: The findings show that cohesive and supportive social relationships reduce anxiety, depression and feelings of loneliness and directly prevent deviant and delinquent behaviors by strengthening internal behavioral control and enhancing collective identity. Additionally, social control and differential association theories effectively explain the importance of the social environment and human relationships in the formation or prevention of delinquent behaviors.

Conclusion: Strengthening healthy social interactions, supporting families, teaching communication skills and promoting civic engagement are vital social and criminal policy measures to enhance mental health and reduce social crimes. Social capital should be considered a key tool for social prevention policymaking against delinquency.

Keywords: Social Interaction; Mental Health; Crime Prevention; Social Capital; Delinquency

Corresponding Author: Faezeh Salahi Abadi; **Email:** faezehsalahi@yahoo.com

Received: November 19, 2024; **Accepted:** February 08, 2025; **Published Online:** March 10, 2025

Please cite this article as:

Salahi Abadi F. Investigating the Role of Normal Social Interactions in Promoting Mental Health and Preventing Tendencies toward Criminal Behavior. Health Law Journal. 2024; 2: e28.

Copyright ©2024, the Authors. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format for any purpose, even commercially) and Adapt (remix, transform and build upon the material for any purpose, even commercially) under CC BY 4.0 terms.



بررسی نقش تعاملات اجتماعی بهنجار در ارتقای سلامت روان و پیشگیری از گرایش به رفتارهای بزهکارانه

فائزه صلاحی ابدی^۱

۱. گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: تعاملات اجتماعی بهنجار، به عنوان یکی از ارکان اصلی سرمایه اجتماعی، نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین و ارتقای سلامت روان ایفا کرده و می‌تواند به عنوان ابزاری اثربخش در پیشگیری اجتماعی از بزهکاری مورد توجه قرار گیرد. این نوع تعاملات، با ایجاد حس تعلق اجتماعی، تقویت پیوندهای انسانی و افزایش اعتماد و همکاری متقابل، بستری برای کاهش آسیب‌های روانی و اجتماعی فراهم می‌کنند. پژوهش حاضر که به روش توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده است، تلاش دارد تا با بهره‌گیری از نظریه‌های اجتماعی و روان‌شناختی، پیوند میان تعاملات اجتماعی سالم و کاهش گرایش به رفتارهای بزهکارانه را بررسی کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که روابط اجتماعی منسجم و حمایتگر، نه تنها به کاهش اضطراب، افسردگی و احساس تنهایی کمک می‌کند، بلکه با تقویت سازوکارهای درونی کنترل رفتار و ارتقای هویت جمعی، به طور مستقیم در جلوگیری از بروز رفتارهای انحرافی و بزهکارانه نقش دارد. این پژوهش همچنین تأکید می‌کند که نظریه‌های کنترل اجتماعی و پیوند افتراقی، اهمیت محیط اجتماعی و روابط انسانی را در شکل‌گیری یا پیشگیری از رفتارهای بزهکارانه به خوبی تبیین می‌کنند، در نتیجه طراحی و اجرای سیاست‌های اجتماعی و کیفری مبتنی بر تقویت تعاملات اجتماعی سالم، حمایت از خانواده‌ها، آموزش مهارت‌های ارتباطی و توسعه مشارکت مدنی می‌تواند گامی مؤثر در ارتقای سلامت روان و کاهش جرائم اجتماعی باشد. این یافته‌ها بر ضرورت توجه به سرمایه اجتماعی به عنوان ابزاری کلیدی در سیاستگذاری‌های پیشگیری اجتماعی از بزهکاری تأکید دارند.

روش: این پژوهش با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای، به بررسی رابطه‌ی تعاملات اجتماعی سالم و کاهش گرایش به رفتارهای بزهکارانه با استفاده از نظریه‌های اجتماعی و روان‌شناختی پرداخته است.

ملاحظات اخلاقی: در این نوع مطالعات، رعایت اصول اخلاقی شامل احترام کامل به حقوق مادی و معنوی ناشران و نویسندگان منابع، صداقت علمی در بازنویسی و ارجاع دقیق به منابع و اجتناب کامل از هرگونه سرقت ادبی مورد توجه قرار گرفته است. همچنین تلاش شده است تا تحلیل‌ها به دور از هرگونه سوءگیری شخصی و فرهنگی صورت پذیرد تا نتایج پژوهش از اعتبار و اطمینان کافی برخوردار باشند. از آنجا که داده‌های انسانی مستقیم در این مطالعه مورد استفاده قرار نگرفته است، مواردی نظیر کسب رضایت آگاهانه و حفظ محرمانگی افراد موضوعیت نداشته‌اند. پژوهشگر متعهد است که نتایج مقاله به صورت صادقانه، بی‌طرفانه و همراه با شفاف‌سازی در مورد منابع و روش‌ها ارائه شود.

یافته‌ها: روابط اجتماعی بهنجار از جمله حمایت‌های عاطفی، تعامل مثبت و تعلق اجتماعی، نقش کلیدی در ارتقای سلامت روان دارند. چنین تعاملاتی می‌تواند استرس و اضطراب را کاهش داده، اعتماد به نفس و احساس رضایت از زندگی را افزایش دهند. در مقابل، کمبود این تعاملات یا روابط ناسالم ممکن است زمینه‌ساز بروز مشکلات روانی مانند افسردگی و انزوای اجتماعی شود. پیشگیری از گرایش به رفتارهای بزهکارانه در نوجوانان و جوانان با تقویت تعاملات اجتماعی سالم و حمایت خانواده، مدرسه و رسانه‌ها امکان‌پذیر است.

نتیجه‌گیری: تعاملات اجتماعی بهنجار به عنوان یک سرمایه روانی مهم، سلامت روان را تقویت و به پیشگیری از رفتارهای بزهکارانه کمک می‌کنند. ایجاد و حفظ روابط اجتماعی سالم به افراد احساس تعلق، حمایت و خودکارآمدی می‌دهد که از عوامل محافظ در برابر مشکلات روانی و گرایش به بزهکاری است. از این رو توصیه می‌شود سیاست‌ها و برنامه‌های پیشگیری اجتماعی رشد‌مدار که خانواده، مدرسه و اجتماع را درگیر می‌کنند، مورد توجه قرار گیرند و کیفیت تعاملات اجتماعی افراد ارتقا یابد. همچنین رعایت اصول اخلاقی در پژوهش‌های مرتبط برای حفاظت از حقوق معنوی و تضمین اعتبار علمی بسیار ضروری است.

واژگان کلیدی: تعامل اجتماعی؛ سلامت روان؛ پیشگیری از جرم؛ سرمایه اجتماعی؛ بزهکاری

نویسنده مسئول: فائزه صلاحی ابدی؛ پست الکترونیک: faezehsalahi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۰؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Salahi Abadi F. Investigating the Role of Normal Social Interactions in Promoting Mental Health and Preventing Tendencies toward Criminal Behavior. Health Law Journal. 2024; 2: e28.

مقدمه

یکی از چالش‌های اساسی جوامع معاصر، افزایش اختلالات روانی و بروز رفتارهای ناسازگارانه و بزهکارانه در نتیجه ضعف در روابط اجتماعی است. تعامل اجتماعی، به عنوان جوهره زندگی انسانی، اگر در مسیر بهنجار و سازنده هدایت شود، می‌تواند نقش مؤثری در تثبیت سلامت روان و جلوگیری از بروز آسیب‌های اجتماعی ایفا کند. در مقابل، انزوای اجتماعی، گسست روابط انسانی و ناتوانی در برقراری تعامل مؤثر، از جمله عواملی هستند که سلامت روان افراد را تهدید کرده و می‌توانند زمینه‌ساز بروز بزهکاری شوند. این مقاله با رویکردی کتابخانه‌ای، به تبیین نقش تعاملات اجتماعی بهنجار در تقویت سلامت روان و در نتیجه کاهش گرایش به رفتارهای بزهکارانه می‌پردازد. هدف، بررسی زمینه‌های نظری، تحلیل یافته‌های موجود و ارائه راهکارهایی در حوزه پیشگیری اجتماعی از جرم است (۱). بنابراین در دنیای امروز، جوامع با پیچیدگی روزافزون روابط انسانی و افزایش تنش‌های اجتماعی و روانی مواجه‌اند. یکی از مسائل مهمی که سلامت روان و امنیت اجتماعی را به چالش می‌کشد، افزایش رفتارهای بزهکارانه است که اغلب ریشه در ضعف پیوندهای اجتماعی و انزوای افراد دارد. تعاملات اجتماعی، اگر به درستی شکل بگیرند و بر پایه اصول اخلاقی و هنجارهای اجتماعی پایدار باشند، می‌توانند به عنوان یک سپر محافظ در برابر بسیاری از آسیب‌های روانی و اجتماعی عمل کنند. ارتباطات انسانی، به ویژه در قالب تعاملات اجتماعی بهنجار، نقشی چندبعدی در رشد شخصیت، تقویت هویت اجتماعی و کاهش رفتارهای پرخطر ایفا می‌کنند. در این میان، سرمایه اجتماعی، که شامل اعتماد، شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای مشترک است (۲)، به عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی اثرگذار بر کیفیت تعاملات انسانی در جامعه شناخته می‌شود. این سرمایه، زمینه‌ساز ایجاد حس تعلق، تقویت انسجام اجتماعی و کاهش رفتارهای ناسازگارانه است. پژوهش حاضر تلاش دارد تا با بررسی مطالعات موجود و تحلیل نظریه‌های مرتبط، تأثیر تعاملات اجتماعی بهنجار بر سلامت روان و پیشگیری از بزهکاری را

روشن سازد. همچنین به نقش سیاستگذاری اجتماعی در ایجاد بسترهایی برای ارتقای این تعاملات می‌پردازد.

روش

این تحقیق از نوع نظری بوده و از روش توصیفی - تحلیلی بهره برده و برای جمع‌آوری داده‌ها با ابزار کتابخانه و با مراجعه به متون حقوقی و روان‌شناسی انجام پذیرفته است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها

یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که روابط اجتماعی منسجم و حمایتگر به کاهش اضطراب و افسردگی کمک می‌کند و احساس تنهایی را کاهش می‌دهد. این تعاملات همچنین با تقویت هویت جمعی و سازوکارهای کنترل رفتار، به جلوگیری از بروز رفتارهای بزهکارانه کمک می‌کنند. نظریه‌های کنترل اجتماعی و پیوند افتراقی اهمیت محیط اجتماعی و روابط انسانی را در شکل‌گیری یا پیشگیری از بزهکاری توضیح می‌دهند. در نهایت پیشنهاد می‌شود که سیاست‌های اجتماعی مبتنی بر تقویت تعاملات اجتماعی سالم و آموزش مهارت‌های ارتباطی طراحی و اجرا شود تا سلامت روان و کاهش جرائم اجتماعی بهبود یابد.

بحث

در این مقاله تلاش شد رابطه میان تعاملات اجتماعی بهنجار با سلامت روان و پیشگیری از گرایش به رفتارهای بزهکارانه تبیین شود. یافته‌های حاصل از بررسی نظریه‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناختی نشان داد که ارتباط مؤثر و مثبت با دیگران نه تنها موجب تقویت سلامت روان فردی می‌شود، بلکه نوعی کنترل اجتماعی غیر رسمی نیز اعمال می‌کند که نقش مهمی در بازدارندگی از جرم دارد (۳). تحلیل

مطالعات همچنین نشان می‌دهد که تعاملات اجتماعی بهنجار، با ایجاد حس تعهد و مسئولیت‌پذیری در افراد، از بروز انحرافات اجتماعی جلوگیری می‌کند. این نوع تعاملات، در بستری از احترام متقابل و همکاری شکل می‌گیرد و می‌تواند به عنوان یکی از ابزارهای غیر رسمی پیشگیری از جرم ایفای نقش کند.

۲-۱. ارتباط تعامل اجتماعی بهنجار با مفهوم سرمایه اجتماعی: تعامل اجتماعی بهنجار یکی از اجزای اصلی سرمایه اجتماعی است. سرمایه اجتماعی، به گفته رابرت پاتنام، شامل شبکه‌های اجتماعی، اعتماد متقابل و هنجارهای مشارکتی است که به تقویت انسجام اجتماعی و بهبود کیفیت زندگی کمک می‌کنند. تعاملات اجتماعی منسجم، که بر پایه احترام متقابل، همکاری و اعتماد شکل می‌گیرند، بستری برای تحقق سرمایه اجتماعی هستند و به طور مستقیم با کاهش بزهکاری و ارتقای سلامت روان مرتبط‌اند.

بر اساس دیدگاه پاتنام، جوامعی که از سرمایه اجتماعی بالاتری برخوردارند، نرخ پایین‌تری از جرم و انحرافات اجتماعی را تجربه می‌کنند. دلیل این امر وجود پیوندهای اجتماعی قوی، نظارت غیر رسمی اجتماعی و حمایت عاطفی میان افراد است (۷).

در جوامعی که تعاملات اجتماعی بهنجار و سرمایه اجتماعی تقویت شده است، افراد احساس تعلق بیشتری به اجتماع دارند و کمتر به رفتارهای ناسازگارانه گرایش پیدا می‌کنند. برای مثال، در محله‌هایی که مردم روابط صمیمانه‌تری با همسایگان خود دارند و دارای شبکه‌های حمایتی قوی هستند، نرخ بزهکاری بسیار پایین‌تر است، در نتیجه تعامل اجتماعی بهنجار، به عنوان یکی از ارکان سرمایه اجتماعی، می‌تواند تأثیر مستقیم بر کاهش جرائم و ارتقای سلامت روان داشته باشد (۸). بنابراین سیاست‌های اجتماعی باید بر تقویت این‌گونه تعاملات و افزایش سرمایه اجتماعی متمرکز شوند.

۲. سلامت روان: سلامت روان نه تنها فقدان اختلالات روانی، بلکه برخورداری از رفاه عاطفی، توانمندی مقابله با استرس و کارکرد مؤثر اجتماعی است. طبق تعریف سازمان جهانی

نظریه‌های هیرشی (Hirshi)، پاتنام (Pantam) و کلمن (Kolman) نشان می‌دهد که تعاملات اجتماعی سالم به ایجاد سرمایه اجتماعی منسجم می‌انجامد؛ سرمایه‌ای که از طریق اعتماد، حمایت متقابل، مشارکت مدنی و تعلق اجتماعی، مانع از بروز انزوای روانی، احساس بی‌هویتی و نهایتاً گرایش به بزهکاری می‌شود. همچنین از منظر روان‌شناسی، افراد دارای روابط اجتماعی مثبت، از تاب‌آوری روانی بالاتری برخوردارند و کمتر در معرض اختلالاتی چون افسردگی، اضطراب و پرخاشگری قرار می‌گیرند (۴). این موارد مستقیماً بر کاهش عوامل زمینه‌ساز جرم تأثیرگذار است.

بر این اساس، درک عمیق‌تری از پیوند میان سلامت روان و پیشگیری از جرم به دست آمد؛ پیوندی که می‌تواند مسیر طراحی سیاست‌های اجتماعی و کیفری جدید را هموار کند. آنچه از این مطالعه برمی‌آید، اهمیت توجه به آموزش مهارت‌های اجتماعی، تقویت شبکه‌های حمایتی غیر رسمی، بازسازی سرمایه اجتماعی فرسوده و همسوسازی نهادهای اجتماعی در پیشگیری از بزهکاری است.

۱. مبانی نظری و مفهومی

۱-۱. تعامل اجتماعی بهنجار: تعامل اجتماعی بهنجار به روابط انسانی‌ای اشاره دارد که مبتنی بر احترام متقابل، همکاری، اعتماد و هنجارهای پذیرفته‌شده اجتماعی باشد. این تعاملات، بستر شکل‌گیری نظم اجتماعی و رشد فردی را فراهم می‌کنند. بر اساس نظریه‌های پاتنام و کلمن، تعامل اجتماعی بخش مهمی از سرمایه اجتماعی است و تقویت آن منجر به انسجام و کنترل اجتماعی می‌شود. تعامل اجتماعی بهنجار، مفهومی است که از تعاملات انسانی مبتنی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های فرهنگی ناشی می‌شود (۶). این نوع تعاملات، نه تنها در سطح فردی، بلکه در سطح کلان اجتماعی نیز نقش به سزایی در حفظ نظم و انسجام ایفا می‌کنند. بر اساس نظریه «اعتماد اجتماعی» پاتنام، جوامعی که روابط اجتماعی سالم‌تر و مبتنی بر اعتماد دارند، نرخ پایین‌تری از جرم و بزهکاری را تجربه می‌کنند.

بهداشت (WHO)، افراد دارای سلامت روان قادر به تحقق توانایی‌های بالقوه خود و ایفای نقش سازنده در جامعه هستند. سلامت روان به عنوان یکی از شاخص‌های اصلی کیفیت زندگی، تأثیر عمیقی از روابط اجتماعی می‌پذیرد (۹-۱۰). افراد دارای سلامت روان معمولاً در تعاملات اجتماعی خود موفق‌تر بوده و در مواجهه با چالش‌های زندگی، استرس کمتری را تجربه می‌کنند. از سوی دیگر، اختلالات روانی همچون افسردگی و اضطراب، اغلب با انزوای اجتماعی و گسست روابط انسانی مرتبط است. در نظریه «رفاه ذهنی» داینر (Diener)، سلامت روان به عنوان ترکیبی از احساس شادی، رضایت از زندگی و کیفیت روابط اجتماعی تعریف می‌شود. بنابراین، جامعه‌ای با تعاملات اجتماعی قوی‌تر، محیطی مناسب‌تر برای تقویت سلامت روان فراهم می‌آورد (۱۱).

۱-۲. سلامت روان بدون وجود روابط اجتماعی پایدار: سلامت روان، بر اساس تعریف سازمان جهانی بهداشت، تنها به فقدان بیماری‌های روانی محدود نمی‌شود، بلکه شامل توانایی افراد در مقابله با استرس‌ها، مشارکت مؤثر در جامعه و احساس رفاه روانی است. روابط اجتماعی پایدار و حمایتگر نقش کلیدی در تحقق این ابعاد دارند. طبق نظریه «حمایت اجتماعی»، احساس تعلق به یک گروه یا شبکه اجتماعی، احساس ارزشمندی و کاهش استرس را تقویت می‌کند. افراد منزوی و بدون روابط اجتماعی پایدار معمولاً بیش از سایرین در معرض خطر افسردگی، اضطراب و سایر اختلالات روانی قرار می‌گیرند (۱۲).

مطالعات نشان می‌دهند که افراد دارای شبکه‌های اجتماعی قوی‌تر، در برابر بحران‌های زندگی، مانند از دست دادن شغل یا فقدان عزیزان، تاب‌آوری بیشتری از خود نشان می‌دهند. این افراد کمتر دچار احساس تنهایی و انزوا می‌شوند که یکی از عوامل اصلی اختلالات روانی است. در نتیجه سلامت روان و روابط اجتماعی پایدار به طور متقابل بر یکدیگر اثر می‌گذارند (۹). بدون وجود روابط اجتماعی معنادار، سلامت روان افراد به

خطر می‌افتد. بنابراین تقویت روابط اجتماعی باید بخشی از راهبردهای پیشگیرانه در حوزه سلامت روان باشد.

۲-۲. رفتارهای بزهکارانه و نظریه‌های پیشگیری: رفتار بزهکارانه، رفتاری است که با هنجارها و قوانین جامعه در تعارض بوده و ممکن است منجر به مداخله نظام کیفری شود. نظریه‌های پیشگیری اجتماعی، از جمله نظریه کنترل اجتماعی (هیرشی) و نظریه پیوند افتراقی (ساترلند (Sutherland))، بر نقش محیط اجتماعی و روابط انسانی در پیشگیری از جرم تأکید دارند. رفتارهای بزهکارانه معمولاً در نتیجه تعامل مجموعه‌ای از عوامل فردی، خانوادگی و اجتماعی به وجود می‌آیند. نظریه کنترل اجتماعی هیرشی بیان می‌کند که پیوندهای قوی فرد با اجتماع، خانواده و نهادهای آموزشی، نقش مؤثری در پیشگیری از رفتارهای انحرافی دارد. همچنین نظریه پیوند افتراقی ساترلند تأکید می‌کند که یادگیری رفتارهای بزهکارانه اغلب در محیط‌های اجتماعی ناسالم و از طریق تعامل با دیگران رخ می‌دهد (۱۳). بنابراین تقویت تعاملات اجتماعی سالم می‌تواند از این فرآیند جلوگیری کند.

۳-۲. تعامل اجتماعی و سلامت روان: مطالعات نشان می‌دهد افرادی که از حمایت اجتماعی کافی برخوردارند، کمتر دچار افسردگی، اضطراب و اختلالات روانی می‌شوند (۱۵). تعامل مثبت با دیگران، احساس ارزشمندی و تعلق اجتماعی را افزایش داده و موجب تقویت خودکارآمدی روانی می‌گردد. در مقابل، انزوا، طرد اجتماعی و فقر روابط عاطفی می‌تواند موجب اختلالات روانی و گرایش به رفتارهای ناسالم شود. تعاملات سازنده همچنین موجب تقویت تاب‌آوری در برابر مشکلات و استرس‌های زندگی می‌شود (۱۶). ارتباط میان تعامل اجتماعی و سلامت روان، یکی از موضوعات مورد تأکید در روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی است. تعاملات اجتماعی سالم، با ایجاد حس امنیت روانی و کاهش استرس، به افزایش کیفیت زندگی افراد کمک می‌کند. در مقابل، انزوا و طرد اجتماعی می‌تواند پیامدهای منفی جدی، از جمله افسردگی و احساس ناتوانی، به دنبال داشته باشد. تحقیقات نشان می‌دهد که حمایت اجتماعی یکی از مهم‌ترین عوامل

مسیرهای بزهکاری منحرف کنند. برنامه‌های اجتماعی مبتنی بر مشارکت مدنی، آموزش مهارت‌های زندگی و تقویت هنجارهای اخلاقی، از جمله راهکارهای مؤثر در این زمینه هستند.

۴-۱. نظریه‌های پیشگیری اجتماعی و تبیین اهمیت تعاملات انسانی: نظریه‌های پیشگیری اجتماعی تأکید می‌کنند که بسیاری از رفتارهای بزهکارانه ریشه در کیفیت پایین روابط اجتماعی و ضعف پیوندهای انسانی دارند. دو نظریه برجسته در این زمینه عبارت‌اند از:

۱- نظریه کنترل اجتماعی (هیرشی): هیرشی معتقد است که پیوندهای اجتماعی قوی، از جمله روابط خانوادگی، دوستی و عضویت در گروه‌های اجتماعی، افراد را از انجام رفتارهای انحرافی باز می‌دارد. این پیوندها حس تعهد و مسئولیت‌پذیری را تقویت کرده و افراد را به هنجارهای اجتماعی پایبند می‌کنند (۱۸).

۲- نظریه پیوند افتراقی (ساترلند): ساترلند بیان می‌کند که رفتارهای بزهکارانه از طریق تعامل با دیگران و یادگیری ارزش‌ها و هنجارهای غیر قانونی شکل می‌گیرند (۱۲)، بنابراین محیط اجتماعی که فرد در آن رشد می‌کند، نقشی تعیین‌کننده در رفتارهای او دارد. تعاملات اجتماعی بهنجار می‌توانند با ارائه الگوهای مثبت، از این فرآیند جلوگیری کنند (۱۹-۲۰). این نظریه‌ها نشان می‌دهند که کیفیت تعاملات انسانی چگونه می‌تواند به عنوان عاملی بازدارنده یا تسهیل‌کننده برای بزهکاری عمل کند. برای مثال، نوجوانانی که در خانواده‌های حمایتگر و دارای تعاملات مثبت زندگی می‌کنند، کمتر به سمت رفتارهای پرخطر مانند اعتیاد یا خشونت گرایش پیدا می‌کنند، در نتیجه نظریه‌های پیشگیری اجتماعی اهمیت تعاملات انسانی را به عنوان ابزاری برای کاهش جرم و ارتقای سلامت اجتماعی برجسته می‌کنند. سیاستگذاران باید با تقویت محیط‌های اجتماعی سالم، از شکل‌گیری رفتارهای بزهکارانه جلوگیری کنند.

پیش‌بینی‌کننده سلامت روان است. برای مثال، افراد دارای شبکه‌های اجتماعی گسترده‌تر، کمتر در معرض خطر بیماری‌های روانی قرار می‌گیرند. همچنین روابط اجتماعی منسجم می‌تواند در کاهش آثار منفی بحران‌های زندگی، همچون از دست‌دادن شغل یا بیماری، مؤثر باشد (۱۷). مطالعات اخیر همچنین به نقش تعاملات اجتماعی در کاهش اضطراب و افزایش تاب‌آوری روانی پرداخته‌اند. این مطالعات نشان می‌دهند که تعاملات مثبت، با تقویت احساس ارزشمندی و احترام به خود، نقش مهمی در مقابله با اختلالات روانی ایفا می‌کنند.

۴-۲. تعامل اجتماعی بهنجار و پیشگیری از گرایش به بزهکاری: روابط اجتماعی منسجم موجب شکل‌گیری سازوکارهای نظارتی غیر رسمی در جامعه می‌شود. نوجوانان و جوانانی که در خانواده، مدرسه و محله‌های اجتماعی خود روابط مثبت و منسجم دارند، کمتر به سمت بزهکاری کشیده می‌شوند. مطالعات متعددی در ایران و جهان تأیید می‌کند که تقویت روابط خانوادگی، مشارکت اجتماعی و حس تعلق به گروه، نقش مؤثری در کاهش خشونت، اعتیاد، سرقت و جرائم دیگر دارد. بنابراین می‌توان تعامل اجتماعی بهنجار را یک عامل پیشگیرانه سطح اول در سیاستگذاری کیفری دانست. نقش تعاملات اجتماعی بهنجار در پیشگیری از بزهکاری، در بسیاری از نظریه‌ها و تحقیقات تأیید شده است. یکی از دلایل اصلی گرایش به بزهکاری، احساس انزوا و طرد اجتماعی است. افرادی که در محیط‌های اجتماعی سالم و حمایتی زندگی می‌کنند (۱۴)، کمتر به رفتارهای پرخطر مانند خشونت، اعتیاد، یا سرقت روی می‌آورند. برای مثال، خانواده به عنوان کوچک‌ترین نهاد اجتماعی، نقش مهمی در شکل‌دهی شخصیت و هویت فرد دارد. کودکانی که در خانواده‌هایی با تعاملات مثبت و سازنده پرورش می‌یابند (۱۰)، معمولاً ارزش‌های اخلاقی قوی‌تری را کسب کرده و در برابر فشارهای محیطی مقاومت بیشتری نشان می‌دهند. علاوه بر این، محیط‌های اجتماعی مانند مدارس، محل‌های کار و جوامع محلی نیز می‌توانند با ایجاد حس تعلق و مشارکت، افراد را از

نتیجه‌گیری

یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که تعامل اجتماعی بهنجار، از طریق تقویت سلامت روان و ارتقای حس تعلق اجتماعی، می‌تواند نقش چشم‌گیری در کاهش رفتارهای بزهکارانه ایفا کند. این یافته بر ضرورت طراحی سیاست‌های اجتماعی مبتنی بر حمایت از نهادهای اجتماعی، آموزش مهارت‌های ارتباطی، توسعه مشارکت مدنی و تقویت سرمایه اجتماعی تأکید دارد. پیشنهاد می‌شود سیاستگذاران حوزه پیشگیری از جرم و سلامت روان، به صورت همزمان و هماهنگ، در جهت ارتقای تعاملات اجتماعی سالم در جامعه گام بردارند. تعاملات اجتماعی بهنجار، می‌توانند از طریق تقویت سلامت روان و ایجاد حس تعلق، به کاهش رفتارهای بزهکارانه کمک کنند. این یافته‌ها بر ضرورت طراحی سیاست‌های اجتماعی مبتنی بر تقویت خانواده، آموزش مهارت‌های ارتباطی و توسعه مشارکت مدنی تأکید دارند.

۱- ایجاد برنامه‌های آموزش مهارت‌های اجتماعی: مدارس و مراکز آموزشی می‌توانند با برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی، مهارت‌های ارتباطی و مدیریت تعارض را به دانش‌آموزان آموزش دهند.

۲- تقویت نهاد خانواده: حمایت از خانواده‌ها از طریق مشاوره روان‌شناسی و برنامه‌های حمایتی می‌تواند به ایجاد تعاملات مثبت در محیط خانوادگی کمک کند.

۳- توسعه برنامه‌های مشارکت اجتماعی: ایجاد فرصت‌هایی برای مشارکت افراد در فعالیت‌های اجتماعی، مانند کارهای داوطلبانه و پروژه‌های اجتماعی، می‌تواند حس تعلق را تقویت کند.

مشارکت نویسندگان

فائزه صالحی ابدی تمامی مراحل پژوهش را به انجام رسانده و ضمن تأیید نسخه نهایی، مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته است.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسنده هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده است.

تأمین مالی

نویسنده اظهار می‌نماید که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده است.

بیانیه هوش مصنوعی

در نگارش مقاله، از هوش مصنوعی استفاده نشده است.

References

1. Bashar FR, Vahedian-Azimi A, Salesi M, Hajiesmaeili M, Shojaei S, Farzanegan B, et al. Spiritual health and outcomes in Muslim ICU patients: A nationwide cross-sectional study. *J Relig Health*. 2018; 57(6): 2241-2257.
2. Koenig HG. Religion, spirituality and health: The research and clinical implications. *ISRN Psychiatry*. 2012; 2012: 278733.
3. Tabarsi AF. *Majma'-al-Bayan fi Tafsir Qur'an*. Translated by Beheshti A. 1st ed. Qom: Farahani Publications; 1970. p.79. [Persian]
4. Tabatabai MH. *Tafsir al-Mizan*. Translated by Mousavi Hamedani MB. Qom: Islamic Publication Office affiliated to the Society of Teachers of Qom Seminary; 1984. p.404. [Persian]
5. Bostan (Najafi) H. *Family in Islam*. 1st ed. Qom: Research Institute of Seminary and University; 2011. p.28. [Persian]
6. Ahmadi H. Benevolent conduct. *Journal of Women's Strategic Studies*. 2011; 13(52): 185-223. [Persian]
7. Hurr al-Amili M. *Wasa'il al-Shi'a*. Qom: Al al-Bayt Institute; 2012. Vol.14 p.11. [Arabic]
8. Salehi H. The path of humanity (Nahj al-Fasaha). Translated by Ahmadian L. Qom: Golestan Adab; 2006. p.1477. [Persian]
9. Javadi Amoli A. *Principles of ethics in the Qur'an*. No Place: Isra Publishing Center; No Date. p.158. [Persian]
10. Ayatollahi Z. *Life skills in the mirror of verses and traditions*. Qom: Ma'ref Publishing; 2011. p.87. [Persian]
11. Soleimani-Asl M. *Family relationships in Islam*. No Place: Ghaem Shahindezh Publishing; 2013. [Persian]
12. Hurr al-Amili M. *Wasa'il al-Shi'a*. Beirut: Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi; 2011. [Arabic]
13. Saduq JM. *Man la Yazaruh al-Faqih*. Qom: Jamiat Modarresin Publications; No Date. Vol.3 p.384. [Arabic]
14. Muhaddithi Nuri MH. *Mustadrak al-Wasa'il*. Qom: Al al-Bayt; 1987. Vol.14 p.294. [Arabic]
15. Faiz Kashani MH. *Al-Mahajjah al-Bayda*. Qom: Al-Islami; 1983. Vol.3 p.119. [Arabic]
16. Coleman JS. *Foundations of social theory*. Translated by Payandeh H. Tehran: Nashr-e Ney Publications; 1977. [Persian]
17. Putnam RD. Social Capital and Democracy. *Iranian Journal of Sociology*. 1996; 3(2): 131-155. [Persian]
18. Jahangiri M. Social interaction and mental health. *Journal of Social Health*. 2021; 7(2): 45-62. [Persian]
19. World Health Organization (WHO). *Mental health and social support*. 2022.
20. Hirschi T. *Social control theory*. Translated by Paivandi S. Tehran: Samt Publications; 2003. [Persian]
21. Rezaei M. Social interactions and crime prevention in urban neighborhoods. *Urban Studies*. 2020; 12(3): 145-160. [Persian]
22. Karimi A. Social capital and mental health in adolescents. *Social Research*. 2022; 11(2): 71-85. [Persian]
23. Ganjvar M, Malakootikhah E, Mosaviannejad FS. The constituent elements of the pattern of spouse-tolerance in Islam. *Journal of Women's Strategic Studies*. 2011; 13(52): 55-109. [Persian]
24. Makarem Shirazi N. *Tafsir Nemuneh*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya; 2000. Vol.1 p.650. [Persian]
25. Tabarsi AF. *Majma'-al-Bayan fi Tafsir Qur'an*. Translated by Mir Bagheri SJ. 1st ed. Tehran: Farahani Publications; 1971. Vol.4 p.255. [Persian]
26. Rasouli Mahallati H. *Gharvar al-Hakam and Dar al-Kalam Amadi*. Tehran: Farhang Eslami Publications; 2007. p.642. [Persian]
27. Majlisi MB. *Bihar al-Anwar*. Qom: Aal al-Bayt Institute; No Date. p.253. [Arabic]
28. Mirkhani ES. *A new approach to family relations*. Tehran: Socio-Cultural Council of Women and Family; 2001. p.208. [Persian]